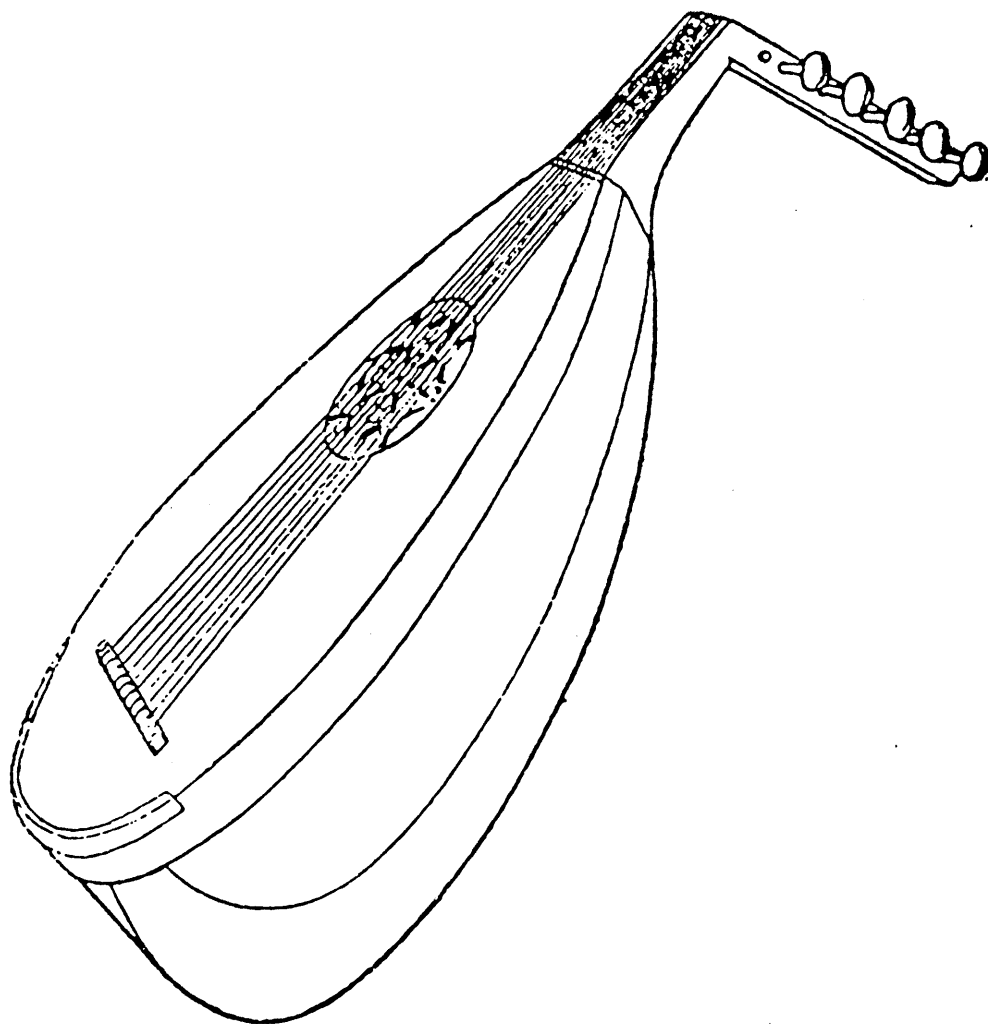




ق

قآانی [Qááni]: میرزا حبیب اله شیرازی، متخلص به قآانی روز ۲۹ شعبان ۱۲۲۳ هجری در شیراز بدنیا آمد. قآانی از شعرای معروف عهد محمد شاه و ناصرالدین شاه است که در مدت زندگی کوتاه ۴۷ ساله خود به شهرت رسید. (سال وفات او ۱۲۷۰ هجری است).

دیوان این شاعر بکرات در تهران، تبریز و هندوستان چاپ شده است. کامل ترین دیوان قآانی دارای ۲۲ هزار بیت است که متأسفانه مقدار زیادی از اشعار او گردآوری نشده است.

قآانی، حبیب [Habib Qáani]: نوازنده چیره دست ضرب در عهد قاجاریه.

قابوس نامه [Qābusnāme]: از آثار برجسته نثر پارسی که در اواخر سده پنجم توسط امیر عنصر قابوس وشمگیر در چهل و چهار باب نوشته شده است. فصل سی و ششم راجع به خنیاگری و موسیقی نکات برجسته ای دارد.

قادریان، علیرضا [Ali-Rezā Qáderyān]: نوازنده چیره دست سنتور و از شاگردان ممتاز استاد فرامرز پایور.

قادری، بیژن [Bijan Qáderi]: بیژن قادری نوازنده باارزش و قدیمی هورن در ارکستر سنفونیک تهران که پس از انقلاب، در غیاب حشمت سنجری، مدتی به سرپرستی ارکستر سنفونیک تهران برگزیده شد در دوم تیرماه ۱۳۲۹ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. دوران دبستان را در مدرسه غزالی در چهارراه لشگر گذراند. در کلاس هفتم دبیرستان به هنرستان عالی موسیقی رفت. در آن زمان ریاست هنرستان با استاد بیگلری و خانم دانشور بود. او تحت نظر استاد هائی چون: ثمین باغچه بان، مصطفی پورتراب، یوسف زاده و خانم دیانا به فراگیری موسیقی پرداخت. معلم او در آموزش هورن، زنده یاد استاد مرتضی حنانه بود. بعدها این هنرمند، به سوی پیانوگرایش پیدا کرد. بیژن قادری، پیش از عزیمت به آمریکا در سال ۱۹۸۳ میلادی، ۱/۵ سال در اسپانیا بسر برد. از سال ۸۳ تاکنون ساکن لس آنجلس میباشد. بیژن قادری در زمینه ساخت و تنظیم آهنگهای بین المللی نیز صاحب تجربه میباشد.

قادری، تیمسار [Timsār Qáderi]: فرمانده موزیک ارتش در رژیم کنونی ایران.

قادری، صابر [Sāber Qáderi]: شیخ صابر قادری، خلیفه گواتی چاه بهار در سال ۱۳۰۰ خورشیدی

آ,ā A,ā آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,ž W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران I,i وحدان V,v O,o جوب C,c U,u Z,z زاله (Zale)

بدنیا آمد. او از برجسته ترین نوازندگان نل (نی) بود. او را در چاه بهار به عنوان خلیفه و قلمی (قلم = نی) می شناختند. نواختن نی را از جوانی آغاز کرده، و پیرو طریقت قادریه بود. او برجسته ترین نوازنده نل در اجرای آهنگهای چوپانی و گواتی بلوچستان بود. چندی پیش شیخ صابر قادری چشم از جهان فرو بست.

قادری، عباس [Abbás Qàderi]: خواننده مردمی و کوچه بازار در سالهای پیش از انقلاب که از او ترانه های ماندگاری چون: پل، نگار من، تک ستاره، برو برو، گل بانو، پرنده عشق، عاشق قدیمی، شیطان بلا، مغرور، ناکام، معما، رقیب و دو دلدار در دسترس میباشد.

قادری، عظیم [Azim Qàderi]: عظیم قادری در سال ۱۳۲۳ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. در نوجوانی به هنرستان عالی موسیقی رفت و در سال ۱۳۵۲ با مدرک لیسانس فارغ التحصیل گشت و با درجه ستوان دومی به سمت معاون دسته موزیک در ارتش مشغول خدمت گردید. پس از سال ۱۳۵۷ به سمت فرمانده موزیک لشکر ۲۱ گمارده شد. او از سال ۱۳۶۲ مسئول تشکیل هنرستان موزیک نیروهای مسلح شد. درجه سازمانی این هنرمند سرهنگ تمام است.

قادری، محمود [Mahmud Qàderi]: از صدابرداران با تجربه که در تهران به این کار اشتغال دارد.

قاسم اردستانی [Qàsem Ardestàni]: شیخ ابوالقاسم اردستانی، از شاعران سده دهم هجری و از ستایشگران شاه عباس بزرگ است. این شاعر بعد از سال ۱۰۰۰ هجری چشم از جهان فرو بست. نسخه ای از دیوان او به شماره **Supp 1765** در کتابخانه ملی پاریس نگهداری میشود.

قاسم انوار [Qàsem Anvâr]: معین الدین علی بن ابوالقاسم حسینی قاسمی، معروف به قاسم انوار از شاعران پارسی گوی نیمه دوم سده هشتم و نیمه اول سده نهم هجری است. او در سال ۷۵۷ در سراب تبریز بدنیا آمد، و بعدها به هرات رفت. سال وفات او را ۸۳۷ هجری نوشته اند. از کلیات آثار او نسخه های متعددی در دست است و یکبار در سال ۱۳۳۷ خورشیدی در تهران به همت زنده یاد سعید نفیسی چاپ شده است. غزلهای این شاعر بسیار معروف است.

قاسم چنگی [Qàsem Cangì]: موسیقیدان و نوازنده مشهور سده نهم هجری در دربار اکبر شاه گورکانی هند بوده است.

قاسم قلی [Qāsem Qoli]: استاد و نوازنده چیره دست تار و معلم استاد مرتضی نی داود.

قاسم مشهدی [Qāsem Maṣhadi]: ملا محمد قاسم مشهدی مشهور به دیوانه و متخلص به قاسم از غزل سرایان سده یازدهم هجری است. در مشهد بدنیا آمد و برای کسب علم به اصفهان رفت. او نیز مانند بسیاری از معاصرانش به هند رفت و در شاه جهان آباد دهلی درگذشت. نسخه ای از دیوانش به شماره Add 5635 در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری میگردد که شامل ۲۸۰۰ بیت غزل و رباعی و مفردات است.

قاسمی، امیر حسین [Amir - Hoseyn Qāsemi]: از صدا برداران و صداگذاران شاغل در تهران.

قاسمی، رضا [Rezā Qāsemi]: نوازنده چیره دست سه تار در تهران.

قاسمی گنابادی [Qāsemi Gonābādi]: میرزا محمد قاسم، قاسمی گنابادی از شاعران دوران تیموری و صفوی است. مثنوی های این شاعر هفت عدد میباشد از آن جمله: شاهرخ نامه، شهنامه ماضی و شهنامه نواب عالی.

از شهنامه ماضی که به شهنامه قاسمی نیز مشهور است، نسخه نفیسی در موزه ایران باستان و هم چنین نسخه ای تحت شماره Add 7784 در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری میشود.

قاسمی، نظیر، فردوسی، مزد تلاش خود را در قالب نوشتن شهنامه دریافت نکرد.

لیلی و مجنون قاسمی هم بنام شاه تهماسب در دو هزار و پانصد و چهل بیت سروده شده که آنهم به شماره Supp 1985 در کتابخانه ملی پاریس نگهداری میشود.

خسرو و شیرین قاسمی، بنام سام میرزا، پسر شاه اسماعیل صفوی در سه هزار بیت در سال ۹۵۰ سروده شده است.

قاسمی، ولی اله [Vali-ollāh Qāsemi]: نوازنده نقاره در آذربایجان و همدوره با محمد علی عبادی نوازنده چیره دست بالابان در تبریز.

قاشق [Qāsoq]: سازی است از خانواده آلات موسیقی ضربی. این ساز از دو قاشق که بر روی هم نهاده شده تشکیل شده است در بخش فرو رفته قاشق، زنگوله هائی گذاشته شده است. قاشق را با دو تکه ترکه چوبی بصدا در میآورند.

A,ā A,ā آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

قاشقک [Qāšoqak]: نوعی ساز کوبه‌ای است، کوچک و چوبی که در یک دست گرفته میشود و با تکان دادن آن، دو چوب کوچک که در طرفین آن واقع شده بهم خورده و بصدا در می‌آیند. این ساز از آلات کوبه‌ای عهد ساسانیان است که امروزه در جنوب ایران معمول است.

قاشقی، رحیم [Rahim Qāšoqi]: نوازنده چیره دست ضرب در اصفهان که در سال ۱۲۶۵ خورشیدی بدنیا آمد. او چون قاشقک هم می‌نواخت به رحیم قاشقی معروف گشت. رحیم قاشقی در سال ۱۳۳۵ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

قاضی عسکر [Qāzi Asgar]: میرزا محمد علی، ملقب به قاضی عسکر. خواننده مشهور اصفهانی و از شاگردان ممتاز سید رحیم است، از همدوره‌ای‌های قاضی عسکر میتوان به تاج اصفهانی و شهاب مظهر اشاره داشت.

قاضی نژاد، ابراهیم [Ebrāhim Qāzi-nežād]: از صدابرداران رادیو تلویزیون در تهران.

قافیه [Qāfiye]: از عوامل شعر و در اصطلاح، تکرار الفاظی در آخر مصراع یا ابیات است که آخرین حرف اصلی آمده شده در مصراع تا اولین حرکت قبل از آن حرف، تکرار گردد. مثلاً در واژگان: بر - سر - در حرف آخر «ر» آخر حرف و فتحه (ر) حرکت قبل از آن حرف است.

قافیه خوانی [Qāfiyexāni]: مقصود از سرود و نغمه خوانی است.

قافیه سنج [Qāfiyesanj]: شاعر

قال [Qāl]: سازی است به شکل پیاله‌ای کوچک و کم عمق از جنس برنج که رقاصان برانگشت های خود بسته و با برهم زدن آنها صدائی موزون ایجاد می‌کنند.

قالوس [Qālus]: از الحان موسیقی قدیم ایران است.

قانعی [Qāneie]: امیر بهاء‌الدین احمد قانع طوسی از شاعران پارسی‌گوی ایرانی در آسیای صغیر

آ,ا A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
وات های (القای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وجدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

است. او در اواخر سده ششم در طوس بدنیا آمد و تا حمله مغول به ایران در خراسان بکسب علم و دانش مشغول بود.

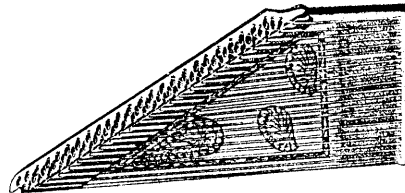
نسخه‌ای از کلیله و دمنه منظوم این شاعر که در تاریخ ۸۶۳ هجری نوشته شده به شماره Add 7766 در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری میشود. سلجوقنامه، منظومه‌ای است که قانعی در شرح سلطنت سلجوقیان گفته است. این کتاب نیز جزو نسخه‌های خطی فارسی در موزه بریتانیا موجود است.

قانون [Qānun]: سازی است از خانواده سازهای رشته‌ای مطلق نظیر سنتور که نوازنده با دو انگشت سبابه که مضربهایی از جنس طلق به آنها بسته تارهای این ساز را به نوا در می‌آورد.

اختراع این ساز را به ابونصر فارابی، موسیقیدان پُرآوازه ایرانی نسبت میدهند. خرک این ساز بر روی پوست آهوی ماهی قرار میگیرد. انواع مختلف آن در کشورهای: ترکیه، مصر و عراق معمول است. در فرهنگ لاروس به این نکته اشاره شده است که قانون قدیمی تر از سنتور است.

ساختمان قانون تشکیل شده از: جعبه طنینی به شکل دوزنقه که ضلع پائین آن ۷۵ سانتی متر تا ۱۰۰ سانتی متر و ضلع دیگر آن ۳۳ تا ۴۴ سانتی متر است. قطر جعبه طنینی ۲/۵ تا ۵ سانتی متر است. بخشی از پوشش بالائی قانون از چوب است که دو یا سه سوراخ بشکل گل دارد. گوشی‌های قانون را در زاویه مورب آن کار میگذارند. تارهای قانون معمولاً از جنس زه و به تعداد ۶۳ تا ۷۸ رشته است. گاهی اوقات سه سیم با هم کوک میشوند و یک نت را تشکیل میدهند. وسعت صوت قانون ۷۵ رشته‌ای

وسعت قانون



میباشد.

قانون انواع مختلف دارد: قانون بغدادی، قانون مصری و قانون ترکی. قانون مصری بزرگ و قانون ترکی کوچک است.

قانونی، جلال [Jalāl Qānuni]: جلال قانونی نوازنده توانای ساز قانون در سال ۱۲۸۵ خورشیدی در شیراز بدنیا آمد. او نواختن این ساز را در مکتب پدرش رحیم قانونی آموخت. او دومین نوازنده قانون پس از پدرش در ایران بود. سومین نوازنده قانون در ایران مهدی مفتاح است. جلال با زحمات بسیار موفق شد تا موسیقی محلی فارس را با قانون بنوازد.

آ, a آدم (Ādam) S, s K, k Š, š سرکش (Sarkes) J, j W, w جمع (Jamw) Q, q غرق (Qarq) X, x Y, y خیام (Xayyām)
Z, z زاله (Zāle) C, c U, u چوب (Cub) V, v O, o وحدان (Vokdan) I, i ایران (Iran) وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن

قانونی، رحیم [Rahim Qānuni]: نوازنده چیره دست قانون در سال ۱۲۵۴ خورشیدی در شیراز بدنیا آمد.

رحیم قانونی در ۱۷ سالگی به بیروت و ترکیه سفر کرد و در آن جا به فراگیری و نواختن قانون پرداخت. او در آن زمان بخوبی، تار را مینواخت. رحیم قانونی هفت سال به فراگیری ساز قانون همت گماشت. او بارها توسط رادیو به تهران دعوت شد و همراه با عطاءاله زاهد برنامه هائی اجرا نمود. در آخرین سفر خود به تهران، به بیماری برنشیت مبتلاء شد. وقتی به شیراز بازگشت در ۱۸ فروردین ماه ۱۳۳۳ خورشیدی، چشم از جهان فرو بست.

قاوالچی [Qāvalci]: نوازنده همراه عاشیق ها که بدنبال او راه می افتد و در زیر و بم آهنگها و اوج و فرود مداخله می کند.

قائم مقامی، مهندس سیما [Mohandes Simā Qāem-maqāmi]: خواننده ترانه های اصیل ایرانی، بانوی هنرمندی که دف و تار خوب می زند. مهندس سیما قائم مقامی ساکن لس آنجلس میباشد.

قائمی، احمد [Ahmad Qāemi]: احمد قائمی نوازنده چیره دست سنتور در سال ۱۳۰۹ خورشیدی در کاشان بدنیا آمد. دوران ابتدائی را در دبستان نظام وفا و متوسطه را در دبیرستان خوارزمی تهران پایان برد. در زمینه موسیقی، اولین معلم او اسکندر میرزائی بود. او بعدها به کلاس عباس زندی رفت و دو سال نزد او سنتور را آموخت. احمد قائم، یکسال از کلاس استاد ابوالحسن صبا سود جست و ردیف و گوشه های موسیقی ایرانی را آموخت.

پس از آن به هنرستان موسیقی ملی شبانه رفت و در ردیف شاگردان استاد فرامرز پایور قرار گرفت. او در سن سی سالگی به رادیو راه یافت و همراه با نوازندگان مشهوری چون لقمان ادهمی و خسرو طهوری برنامه اجراء نمود.

قائمی فرد، علی [Ali Qāemi-fard]: هنر آموز موسیقی در آموزشگاه های موسیقی تهران.

قبا زورنا [Qabā Zurnā]: از انواع سورنا، بزرگتر از سورنای معمولی با طول ۶۰ سانتی متر و هفت سوراخ در رو و یک سوراخ در زیر.

آ،ا A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران I,i وحدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

قبله [Qeble]: قسمت کوچکی بر بالای صندوق صوتی قانون.

قبولی [Qabuli]: قبولی از شاعران سده نهم هجری ایران است که در دربار سلاطین عثمانی شهرت و اهمیت فراوانی داشته است. او معاصر با سلطان محمد فاتح بود. دیوان شعر او که به سلطان محمد فاتح تقدیم شده در سال ۸۸۰ هجری نوشته شده است. در این زمان شاعر ۳۹ سال از عمرش میگذشته است.

قبه [Qobe]: از مقام های موسیقی عهد ساسانیان (دوره بهرام پنجم) است.

قبوز یا قپوز [Qobbuz yā Qoppuz]: لطفاً به قوپوز نگاه کنید.

قجاوند [Qojāvand]: خواننده قدیمی ترانه های خراسانی که از او ترانه ماندگار؛ فاطمه سلطان موجود است.

قَجَر [Qazar]: نام گوشه ای است در دستگاه شور.



قچک [Qacak]: لطفاً به قیچک نگاه کنید.

قَدَر [Qadar]: معروفترین نوازنده کمانچه در شرق مازندران و پدر اصغر کتولی نوازنده چیره دست کمانچه است.

قدرخانی، پرویز [Parviz Qadarxāni]: خواننده و نوازنده کی بورد و آهنگساز ساکن لس آنجلس که از فعالیت خوبی برخوردار است. از پرویز قدرخانی ترانه های ماندگاری چون: بارون میاد، جدائی، باورم نمیشه، تصویر، گل خونه عشق، بوی دستات و عزیز خوب موندنی در دسترس میباشد.

قدسی [Qodsi]: از زنان هنرمند عهد ناصری که ضرب بسیار زیبا میزد. قدسی از شاگردان معروف حاجی خان بوده است.

Á,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vokdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

قدسی مشهدی [Qodsi Mašhadi]: حاجی محمد جان قدسی مشهدی از شاعران سده ده هجری است که در آغاز به حرفه بقالی اشتغال داشت. او بعدها دربارگاه شاه جهان، راه یافت و در صف ستایشگران این پادشاه هند قرار گرفت و بکرات بخاطر اشعارش، بدستور سلطان، هفت بار دهان او را با جواهر پُر نمودند. این شاعر در سال ۱۰۵۶ چشم از جهان فرو بست. از کلیات قدسی مشهدی، نسخه‌ای به شماره 323 or در کتابخانه موزه بریتانیا وجود دارد.

قدم شاه [Qadam Šáh] حاجی قدم شاه از نوازندگان زبردست کمانچه در عهد ناصرالدین شاه بوده است.

قدمی، محمد علی [Mohammad - Ali Qadami]: خواننده مشهور که در کرمانشاه بدنیا آمد. او در سال ۱۳۴۶ خورشیدی در رشته آواز، مقام اول را در کرمانشاه کسب نمود و با راهنمایی موسیقیدانهای کرمانشاهی، پس از گرفتن دیپلم به تهران آمد و به کلاس درس استاد محمود کریمی رفت. او در هنرستان عالی موسیقی و مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی، تحصیلات خود را پایان برد و کار خوانندگی را در صدا و سیما آغاز نمود.

قدوم [Qodum]: از آلات کوبه‌ای که آنرا با قطعات چوب می نوازند. این ساز را در خانقاه به همراهی آلات دیگری چون: نای، چگور و یا رباب می نوازند. برای نواختن این ساز، از زخمه‌های چوبی استفاده می کنند. قدوم تشکیل یافته از دو کاسه هم جوار که بر دهان آن پوست کشیده‌اند. این ساز از کوس، کوچکتر است.

قدیانی، مجید [Majid Qadyāni]: نوازنده چیره دست تار و از فارغ التحصیلان هنرستان عالی موسیقی تهران.

قدیری، اسماعیل [Esmāwil Qadiri]: خواننده تصنیف‌های ضربی و از همکاران درویش خان. این هنرمند، تنبک را خوب می نواخت. و سه تار هم میزد. اسماعیل قدیری در بین دوستانش (شکری، قهرمانی، عارف قزوینی و درویش خان) به اسماعیل دلمه معروف بود. او کارمند شهرداری بود.

قدیری، سیمین [Simin Qadire]: از خوانندگان مشهور پیش از انقلاب و همدوره با پری زنگنه و

آ,ā A,a ادم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وچدان (Vojdan) V,v O,o وچان (Cub) C,c U,u چوب (Zāle) Z,z زاله

خانم سیمین غانم میباشد.

قدیمی، محمد [Mohammad Qadimi]: نوازنده چیره دست ویلن و از فارغ التحصیلان هنرستان آزاد موسیقی ملی و همدوره با عباس خسروی، محمد اسماعیلی و رضا شفیعیان.

قرباب [Qorab]: زنده یاد سید زین العابدین، معروف به قرباب از خوانندگان بنام دوره قاجاریه است که ضرب هم میگرفت و در تعزیه های تکیه دولت نقش مهمی داشت. فرزند او سید حسین بود که از صدای خوب و رسا بهره داشت.

قرباب، سید اسماعیل [Seyyed Esmāwil Qorāb]: خواننده مشهور و قدیمی و همدوره با سید حسین طاهرزاده، قربان خان شاهی، تجلی و حبیب شاطر حاجی.

قرباب، سید حسین [Seyyed Hoseyn Qorāb]: خواننده خوش صدا اواخر دوره قاجاریه و اوایل دوره پهلوی و پسر زنده یاد سید زین العابدین قرباب است. سید حسین قرباب فرزندان بنام های زیر داشت که تمامی از صدای خوب بهره داشتند و در زمینه موسیقی ایرانی کار کردند: محمود، احمد، مصطفی، قاسم، محمد، اصغر و منصوره.

قرباب، قاسم (فاریا) [Qāsem Qorāb]: قاسم قرباب، فرزند سید حسین قرباب در سال ۱۲۹۸ خورشیدی در کاشان بدنیا آمد. او از کودکی بدنبال پدر میرفت و بهر مناسبتی خوانندگی میکرد. او ردیف و گوشه های موسیقی ایرانی را از پدرش آموخت و پس از چندی به هنرستان عالی موسیقی رفت و تحت نظر؛ حسین خان سنجری به فراگیری موسیقی پرداخت. قاسم قرباب، اولین کنسرت خود را در سال ۱۳۱۷ خورشیدی با همراهی پدرش در سینما تهران برپا کرد و از سال ۱۳۲۱ همکاری خود را با رادیو تهران آغاز نمود. قرباب، نام فاریا را بعنوان اسم مستعار برای خودش انتخاب نمود. از ترانه های ماندگار قاسم قرباب میتوان به: غم عشق، قوچانی، دهقان و وعده وصال اشاره داشت. قاسم قرباب، از اعضای مؤسس انجمن موسیقی ملی در ششم تیر ماه ۱۳۲۳ خورشیدی بود.

قرباب، محمد [Mohammad Qorāb]: خواننده خوش صدا و نوازنده چیره دست ضرب که در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۹ خورشیدی با رادیو ایران همکاری داشت. محمد قرباب، برادر کوچک، قاسم قرباب است. محمد قرباب از اعضای مؤسس انجمن موسیقی ملی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی بود.

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وجدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

قرباب، محمود [Mahmud Qoráb]: سید محمود قرباب، نوازنده زیردست تار و برادر بزرگ قاسم قرباب که کارمند وزارت مالیه بود.

قرباب، مصطفی [Mostafá Qoráb]: زنده یاد مصطفی قرباب، نوازنده چیره دست تنبک و از شاگردان استاد حسین تهرانی بود که در سال ۱۳۵۱ خورشیدی چشم از جهان فرو بست. مصطفی قرباب سالهای بسیاری در کلاس استاد عبدالله جهان پناه به هنرجویان، تنبک می آموخت.

قربابی [Qorábi]: از گوشه های دستگاه شور است.

قراچورلو، سعید [Sawid Qarachorlu]: مهندس سعید قراچورلو، استاد و نوازنده مشهور ویلن در سال ۱۳۲۵ خورشیدی بدنیا آمد. او، از سن ۵ سالگی به کلاس استاد ابوالحسن صبا رفت. او کوچکترین هنرجوی کلاس صبا بود. مهندس قراچورلو در آن زمان، به کلاس استاد شاپور نیاکان هم میرفت. سعید قراچورلو دوران ابتدائی را در دبستان وهاجی و متوسطه را در دبیرستان علمیه تهران، طی کرد و سپس به دانشگاه رفت و در رشته مهندسی کشاورزی فارغ التحصیل گردید. او در سال ۱۳۳۷ با اجرای ساز سلو در برنامه کودک رادیو ایران، مورد توجه داود پیرنیا قرار گرفت و سپس به سرپرستی گروه موسیقی کودکان برگزیده شد. او چهار سال بعد در سن ۱۶ سالگی، سرپرستی گروه موسیقی نوجوانان را به عهده گرفت و همزمان به تلویزیون ملی رفت. از زیباترین کارهای این هنرمند گرانقدر در نیمه اول سال ۱۳۴۰، ساختن آهنگ، ایدل بنالم، با صدای سیما بینا است. موزیک متن فیلم هائی چون: خدا حافظ تهران و بر آسمان نوشته از کارهای این هنرمند است.

از کارهای بدیع این هنرمند، کوک دو یا سه سیم با نت واحد است که بهنگام نواختن با آن آکورد میگرفت.

قراچویی [Qarácowi]: این آهنگ، دستگاه بابا ناووسی را در موسیقی اهل حق، از نزدیک دنبال می کند و مانند رونوشت با اندک تفاوت است.

قراچه [Qaráce]: از گوشه های دستگاه راست پنجگاه و دستگاه شور است.

قرادوزن [Qaráduzán]: نوعی تنبور که امروزه بیشتر در ترکیه و آلبانی رواج دارد. این ساز توسط قدوز فرهادی، ملازم با یزید، پسر سلطان سلیمان اول (وفات ۹۷۴ هجری) در اصفهان به ایرانیان معرفی

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I, i وحدان (Vojdan) O, o V, v (Cub) جوب U, u C, c (Zale) زاله Z, z

(Xayyam) خیام X, x Y, y (Qarq) غرق Q, q جمع (Jamw) W, w J, j (Sarkes) سرکش S, s K, k \$, \$ آدم (Ádam) A, a Á, á

شد.

قرادوزن لفظی است ترکی و به عود بزرگ و سیاه گفته میشود.

قراگزلو، یحیی [Yahya Qaragozlu]: (اعتمادالدوله) وزیر معارف در سال ۱۳۰۷ خورشیدی که به دستور او در مدارس تهران به دانش آموزان سرود آموخته شد.

قراملکی، محمود [Mahmud Qarāmaleki]: از آهنگسازان مشهور پیش از انقلاب که همکاری نزدیکی با بته، خواننده خوش صدا آن زمان داشت. آهنگ ترانه های: عزیزم و عشق افسرده از ساخته های این هنرمند است.

قرائی [Qarai]: گوشه ای است در آواز افشاری و شور.

قراپی (صبا)



قربان خان [Qorbān Xān]: خواننده مشهور و قدیمی. همدوره با سید حسین طاهرزاده، تجلی، اسماعیل قراب و حاج محمد علی. از قربان خان صفحه، تصنیف؛ کار با عمل به همراه کمانچه باقر خان و سنتور علی اکبر خان موجود است.

قربان علی، محمود [Mahmud Qorbān-Ali]: محمود قربان علی، در سال ۱۳۲۵ خورشیدی در شهر بروجرد بدنیا آمد. در ۱۵ سالگی با ساختن فلوت، آغاز به نواختن این ساز نمود. در ۲۰ سالگی به تهران آمد و پس از آشنائی با استاد ابراهیم قنبری به کارگاه وزارت فرهنگ و هنر رفت و چهار سال تحت نظر استاد به امر ساز سازی پرداخت. محمود قربان علی در حال حاضر از سازندگان بنام تار در تهران است.

قربانی، جمعه گلدی [Jomwe-Galdi Qorbāni]: جمعه گلدی قربانی در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در روستای پاشای، بخش کلالة ترکمن صحرا بدنیا آمد. او ۳۰ سال است که نی می نوازد. مدتی نزد نی نواز قدیمی، زنده یاد قربان دُردی عیدی و قربان محمد خانی، آموزش دید.

او مقام های موسیقی ترکمن صحرا را در سبک ارقاچ (گرگان یولی) بخوبی اجرا میکند. او سابقاً از راه

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Voikān) وحدان V,v O,o (Cub) جوب C,c U,u (Zāle) زاله Z,z (Xayyām) خیام X,x Y,y (Qarq) غرق Q,q (Jamw) جمع W,w J,j (Sarkes) سرکش S,s K,k (Adam) آدم A,a A,a

نوازندگی امرار معاش میکرد ولی امروزه بخاطر فقر همه جاگیر، از راه کشاورزی و تعمیر ماشین آلات کشاورزی روزگار میگذرانند.

قربانی، رسول [Rasul Qorbāni]: رسول قربانی در سال ۱۳۱۴ خورشیدی در اهر بدنیا آمد. در نوجوانی نزد عاشیق خیراله و عاشیق کریم حضرتی به فراگیری موسیقی عاشیقی پرداخت. او در حال حاضر در تبریز ساکن است.

قربانی، سعید [Sawid Qorbāni]: آهنگساز و تنظیم کننده آهنگ که در لس آنجلس از فعالیت خوبی برخوردار است. سعید قربانی با اکثر هنرمندان ساکن کالیفرنیا همکاری نزدیک دارد.

قربانی، غلامرضا [Qolām - Rezā Qorbāni]: سازنده مشهور سازهای اصیل ایرانی که سمت استادی به سید جواد چایچی هنرمند بزرگ اصفهانی دارد.

قربانی، فردوس [Ferdous Qorbāni]: معاون فنی تبلیغات و سرپرست رادیو مشهد در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۲ خورشیدی.

قربانی، کامبیز [Kāmbiz Qorbāni]: پسر منحصر بفرد گوگوش که در زمینه خوانندگی هیچگاه به اقبال مادر دست نیافت. کامبیز در حال حاضر در لس آنجلس کالیفرنیا زندگی می کند.

قربانی، کربلایی رمضان [Karbalāi Ramazān Qorbāni]: از نوازندگان معروف و قدیمی دوتار در شمال خراسان.

قربانی، مجید [Majid Qorbāni]: آهنگساز و تنظیم کننده آهنگ که در لس آنجلس فعالیت دارد. از کارهای زیبای این هنرمند میتوان به: عاشقم من با صدای حمیرا اشاره داشت.

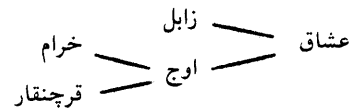
قربانی، محمود [Mahmud Qorbāni]: برگزار کننده کنسرت، کاباره دار معروف ایرانی و همسر سابق گوگوش در خانواده ای بدنیا آمد که از سال ۱۹۶۵ میلادی در کار هتل داری و برگزاری شو بودند. تا قبل از گوگوش، قربانی هنرمندانی چون فرانک سیناترا، جانی هالیدی، سیلوی وارتان، شارل آزناور را به ایران دعوت کرد. محمود قربانی، فارغ التحصیل رشته هتل داری از کالج ایالتی سانفرانسیسکو است. او

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vokdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

صاحب هتل و کارباره میامی با ۴۲۰ اتاق در خیابان پهلوی بود. محمود قربانی در کار خود نزدیک به ۱۰۷ خواننده معروف و محبوب را معرفی نمود. محمود قربانی در سال ۱۳۵۵ خورشیدی طرح هتلی بشکل عقاب در نمک آبرود را مطرح که حتی پایه هایش نیز ریخته شد. این هتل بزرگترین هتل آسیا بشمار میرفت که با تغییر رژیم از بین رفت.

قربانی، ولی اله [Valiolláh Qorbáni]: از عاشیق های مشهور در آذربایجان شرقی و شاگرد عاشیق رسول قربانی است.

قرچنقار [Qarcanqár]: یکی از دو گوشه شعبه اوج در موسیقی قدیم ایران. نام گوشه دیگر خرام بوده است.



قرچه [Qarace]: گوشه ای است در دستگاه های شور و راست پنجگاه، و یکی از گوشه های فرعی است که به وسیله آن میتوان از سه گاه به شور و راست پنجگاه وارد شد.



قرشی، شهاب الدین [Šaháb-eddin Qarsi]: سید شهاب الدین قرشی در سال ۱۳۳۸ خورشیدی در شهرستان اهر بدنیا آمد. او از کودکی به نواختن ضرب پرداخت. معلم او مادرش بود که تار و دایره و دف میزد. او در سال ۱۳۵۵ به عضویت گروه موسیقی خانه فرهنگ، شهرستان اهر درآمد. قرشی در سال ۱۳۶۰ به تهران آمد و به کلاس زنده یاد امیرناصر افتتاح رفت. معلم بعدی او، مرتضی اعیان بود. پس از آموختن ضرب، نزد استاد هوشنگ ظریف رفت و نواختن تار را از ایشان آموخت.

قرقه یا قراقب [Qarqabe yà Qaraqeb]: سازی است ضربی از رده گرتال (crotal)

قرن یا قرنا [Qarn yà Qarnà]: سازی است بادی. به عقیده زاکس؛ قرن، شیپور یا شاخی است که

آ, a آدم (Ádam) S, s K, k S, s سرکش (Sarkes) J, j W, w جمع (Jamw) Q, q غرق (Qarq) X, x Y, y خیام (Xayyam)
 Z, z زاله (Zale) C, c U, u جوب (Cub) V, v O, o وحدان (Vojdán) I, i ایران (Írán) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

به آن قرنا یا گُرنا هم گویند. در زبان پشتو نیز کرنا را قرنا گویند.

قره‌العین [Qorratol-eyn]: زرین تاج یا فاطمه قره‌العین، دختر حاجی ملامحمد صالح برغانی قزوینی در سال ۱۲۳۳ هجری در قزوین بدنیا آمد.

بعدها در سن ۲۹ سالگی به جمع یاران سید علی محمد باب پیوست و لقب طاهره را از او گرفت. او برای باب تبلیغ میکرد تا اینکه پس از کشته شدن باب او را از قزوین به تهران آوردند و در باغ محمود خان، کلانتر تهران زندانی کردند. قره‌العین را که زنی بود صاحب قلم و شاعر و سخنران در اول ذی‌عقده ۱۲۶۸ هجری، وقتی که ۳۶ سال بیشتر نداشت کشتند. این شاعر گرانقدر، نخستین زنی بود که بی حجاب در برابر مردان ظاهر شد و با علما و رجال به بحث و گفتگو پرداخت. آثار نظم و نثر قره‌العین بوسیله مذهب‌یون اسلامی از بین رفته است.

قره باغلو [Qarabâqlu]: از آوازهای مشهور ایل قره‌پا‌باغ که در نقده زندگی می‌کنند.

قره باغی [Qarabâqi]: منسوب به قره‌باغ. در تصنیف‌های ترکی اجرا می‌شده است. از حسین خان اسماعیل زاده صفحه‌ای با عنوان قره‌باغی و از حسین شمیرانی، تصنیف داداش، داداش اماندی با آواز قره‌باغی وجود دارد.

قره‌باغی، اسفندیار [Esfandyâr Qarabâqi]: اسفندیار قره‌باغی در سال ۱۳۲۲ خورشیدی در تبریز بدنیا آمد. در ۱۶ سالگی، وارد هنرستان موسیقی تبریز شد و در سال ۱۳۴۲ از این هنرستان فارغ‌التحصیل گشت. او سالها، بعنوان کارشناس موسیقی در دانشسرای هنر، هنرستان موسیقی ملی و هنرستان باله به کار اشتغال داشت. او از سال ۱۳۴۶ همکاری خود را با تالار رودکی در قسمت اپرا آغاز نمود. قره‌باغی در سال ۱۳۵۸ بازنشسته شد و از سال ۱۳۶۲ به همکاری مجدد به رادیو تلویزیون و تالار رودکی دعوت شد. اسفندیار قره‌باغی علاوه بر نواختن ترومپت که ساز تخصصی اوست با پیانو و ویلن هم آشنائی دارد. هنر اصلی او، خوانندگی است.

ای ایران ای مرز پرگهر توسط خوانندگان مختلف و از جمله اسفندیار قره‌باغی اجرا شده است.

قره پاپاغی، موسیقی [Musiqiye Qarpapāqi]: ایل قره پاپاغ در اطراف نقده بسر میبرند. آنها چند صد سال پیش از ایروان به این منطقه کوچ کرده اند. لهجه آنها با دیگر لهجه های ترکی تفاوت دارد. در نقده و اطراف آن دو فرهنگ «ترکی قره پاپاغی» و «گُردی سورانی» در کنار هم زندگی می کنند. قره پاپاغ ها سابقاً عاشیق داشتند اما نه به اندازه تیره های دیگر ترک.

آوازهای قره پاپاغی معمولاً به همراهی بالابان و ضرب اجرا میشود. مهم ترین آوازهای قره پاپاغی عبارت است از: قَرنی، گُزَلَمَه، هجران، قره باغلو، ایلیم مزایلم مز، یل یل و یان باسما.

در مراسم عروسی که سابقاً سه روز طول میکشید: در هر مرحله موسیقی جایگاه خود را داشت. روز اول پارچه می بریدند، روز دوم حنا بندان بود و روز سوم عروس را می آوردند. در پارچه بری، آوازهای شاد می خواندند. در حنا بندان، در محوطه بیرون، رقص میکردند و در فضای داخل، آوازهای مجلسی اجرا میشد و زمانی که داماد می آمد، آواز هائی در وصف داماد خوانده میشد. آهنگ های رقص با سورنا، دوزله به همراهی دُهل و تنبک نواخته میشد.

رقص های متداول آنها عبارت است از: یارلی، ایروان یالسر، چایاخ (سوسکائی، دوپا)، اُچایاخ (سه پا)، رونیا، قراخان و لیلی لیلی. که شوربختانه بیشتر آنها فراموش شده است.

بالابان مهمترین ساز ایل است و دوزله این منطقه در مقایسه با دوزله های گُردستان و خراسان بسیار بزرگتر است.

قره چه داغی، شیدا [Şeydâ Qaracedâqi]: آهنگساز و استاد تعلیم پیانو در هنرستان عالی موسیقی تهران. سازنده موزیک متن فیلم هائی چون: رگبار ساخته بهرام بیضائی و با شرکت زنده یاد پرویز فنی زاده و پروانه معصومی. فانوس خیال، ساخته بهرام ری پور. شطرنج باد، ساخته محمد رضا اصلانی با شرکت فخری خوروش و محمد علی کشاورز. و قصه خیابان دراز ساخته محسن تقوائی با شرکت منوچهر احمدی که این فیلم به نمایش در نیامد.

شیدا قره چه داغی در سال ۱۳۲۰ خورشیدی در تهران بدنیا آمد و پس از اتمام تحصیلات متوسطه، برای تحصیل در رشته موسیقی به اتریش رفت و از آکادمی موسیقی وین فارغ التحصیل شد. او در سال ۱۳۴۹ به ایران بازگشت و در هنرستان عالی موسیقی با سمت استاد پیانو بکار مشغول شد. او بعدها از همکاران رادیو تلویزیون ملی ایران بود.

A,â A,a آدم (Adam) S,s K,k Ş,ş سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdân) I,i ایران (İran) وات های (الهای) نوین برای درست خواندن

قره چه داغی، صنم [Sanam Qaracedaqi]: نوازنده چیره دست ویلن سل و از فارغ التحصیلان هنرستان عالی موسیقی تهران.

قره داش، امیر [Amir Qaradas]: امیر قره داش، نوازنده زبردست ویلن در سال ۱۳۰۹ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. از ۸ سالگی به نواختن نی لبک و فلوت پرداخت. او در جوانی نزد استاد عباس شاپوری رفت. امیر قره داش، در سال ۱۳۴۳ همکاری خود را با ارکستر شما و رادیو، ارکستر رامتین و ارکستر باربد آغاز نمود. زنده یاد امیر قره داش در تاریخ سوم آبان ماه ۱۳۷۱ بر اثر سکته قلبی چشم از جهان فرو بست. قبر این هنرمند در بهشت زهرا تهران می باشد.

قره نی (قرینی) [Qarani]: از آوازهای مشهور ایل قره پایاغ که در اطراف نقده زندگی می کنند.

قره نی [Qaraney]: (کلارینت) سازی است بادی چوبی و غربی که در دوران قاجاریه به ایران آمد و در موزیک نظام بکار رفت. بعدها، نوازندگان ایرانی ردیف های موسیقی ایرانی را با آن بخوبی اجرا کردند. این ساز، امروزه، به عنوان یک ساز انتقالی «سی بمل» نواخته میشود. وسعت صوتی این ساز، بیشتر از دیگر آلات بادی است. (چهار اکتاو یک چهارم). قسمت دهانی آن، دارای تیغه ای نئی است که بر منقاری از جنس چوب یا پلاستیک تکیه کرده است. نت نویسی این ساز شبیه فلوت است. بم ترین نت آن **c mi** کوچک و نازک ترین آن تن (سل ۸^۳) می باشد. امروزه این ساز را از فلز هم می سازند. نام های دیگر قره نی، زنامی و سیه نای است. انگشت گذاری این ساز با فلوت، اتود و باسون تفاوت دارد. قره نی، قادر است، تمام حالاتی را که یک آهنگساز خواستار آنست اجرا کند. این ساز، برای نخستین بار در ۱۷۴۹ میلادی توسط رامو با ابرای زرتشت به فرانسویها شناسانده شد، و در ایتالیا با کنسرتوی ویوالدی معرفی گردید.

خانواده قره نی بوم از چهار ساز تشکیل میشود.

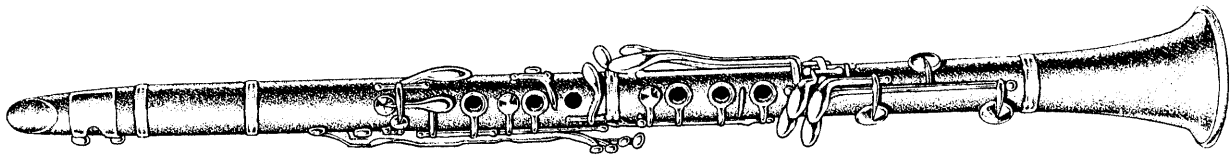
۱- قره نی در می بمل (**mib**) (قره نی کوچک) با طول ۴۲/۹ سانتی متر.

۲- قره نی در دو (**do**) با طول ۵۱/۷ سانتی متر.

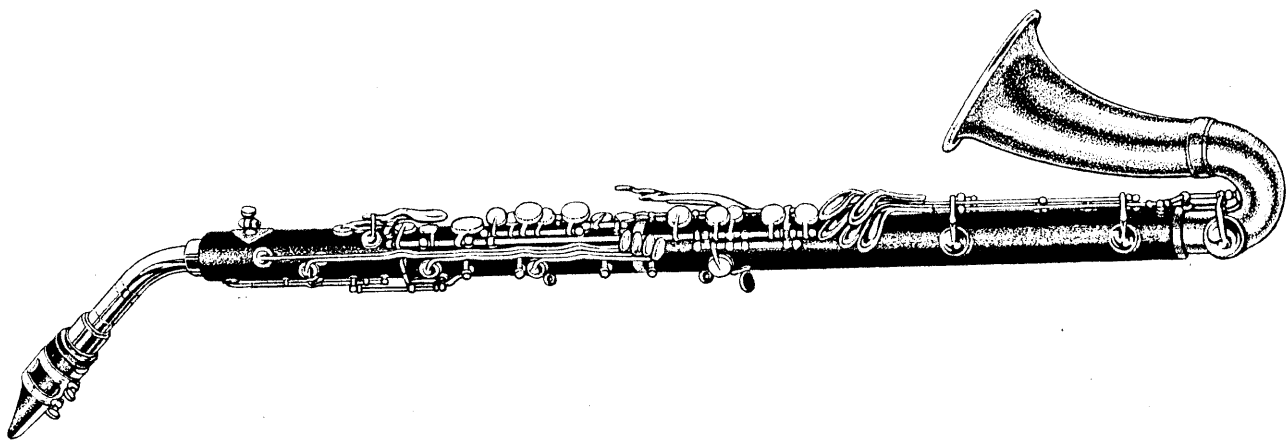
۳- قره نی در سی بمل (**sib**) (متداول ترین قره نی) با طول ۵۹ سانتی متر.

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (النای) نوین برای درست خواندن

۴- قره‌نی در لا (la)، با طول ۶۲/۷ سانتی متر.



قره‌نی باس [Qaraneye Bâs]: این ساز را نظیر قره‌نی معمولی انگشت گذاری می کنند. وسعت صدای این ساز، یک اکتاو بم تراز قره‌نی معمولی و برخلاف قره‌نی که لوله مستقیم دارد، دارای لوله خمیده در قسمت دهانی و قسمت انتهائی است.



قزاق پنگ [Qazâq Pang]: از کمانچه نوازان مشهور ترکمن صحرا که چندی پیش فوت نمود.

قزنا [Qoznâ]: به کرنا و نای بزرگ اطلاق میشود.

قزوینی، [Qazvini]: دسته مطرب دوران ناصری که از شهرت خوبی برخوردار بود.

قزوینی، جواد خان [Javâd-xân Qazvini]: جواد خان قزوینی، خواننده و کمانچه نواز معروف عهد قاجاریه است. او تعزیه نیز می خواند.

قزوینی، عبدالهادی دیلمی [Abdolhâdi Deylami Qazvini]: خواهرزاده امیر مالک دیلمی

و از موسیقیدانها و تصنیف سازان مشهور زمان شاه عباس اول صفوی است. از ساخته های معروف او؛

A,a آدم (Adam) S,s K,k Ş,ş سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وحدان (Voklan) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zâle) Z,z

نیشابورک است. سال وفات این موسیقیدان و خطاط را ۹۷۶ هجری نوشته اند.

قزوینی، قربان خان [Qorbân-xân Qazvini]: از خوانندگان مشهور دوره قاجاریه و همدوره با سید احمدخان، قلی خان و آقا حسین تعزیه خوان. قربان خان قزوینی، تعزیه خوان تکیه دولت بود.

قزوینی، لامع [Lâmew Qazvini]: زنده یاد لامع قزوینی، از شعرای مشهور و معاصر که در قزوین زندگی می کرده است.

قزوینی، محمد [Mohammad Qazvini]: از اعضای شورای عالی رادیو که بر تهیه برنامه های رادیو نظارت داشت. دیگر اعضای این شورا عبارت بودند از: ذکاءالملک فروغی، دکتر علی اکبر سیاسی، دکتر رضا زاده شفق، دکتر قاسم غنی و استاد علی نقی وزیری.

قزوینی، ملاعلی حسین [Mollâ Ali-Hoseyn Qazvini]: از تعزیه خوانهای اواخر دوره زندیه و اوایل دوره قاجاریه است.

قزوینی، ملاکریم [Mollâ Karim Qazvini]: آواز خوان معروف عهد قاجاریه که سمت استادی اقبال آذرا دارد. او در صد سالگی همچنان خوب می خواند. ملاکریم با ناصرالدین شاه سفری به عتبات کرد و با مناجات خود، اعراب را متعجب ساخت.

قشقائی، آهنگ و آواز [Âhang va Âvâz Qaşqâi]: آهنگهای ایل قشقائی عبارتند است از:

- سحر آوازی: آهنگ بیدار باش ایل است. در جشن ها، بهنگام سحر، توسط کرنا به همراه نقاره اجرا میشود و ایل نشینان را بیدار می کند.
- جنگ نامه: آهنگ رزم و نبرد ایل است. این کار از وظایف جنگی ها بوده است.
- آواز هائی که هنگام چرای احشام اجرا میشود.
- آوازهای شیردوشی که توسط زنان خوانده میشود.

آ,â A,a آدم (Âdam) S,s K,k Ş,ş سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (القای) نوین برای درست خواندن

- آوازهای زمان برنج کوبی.

قشقائی، موسیقی [Musiqiye Qaşqai]: فرهنگ ایل قشقائی تا حدود بسیاری با فرهنگ دیگر قومهای ساکن در نواحی گوناگون استان فارس تفاوت دارد. سابقاً، موسیقی در میان ایل نشینان قشقائی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بود که شوربختانه عوامل زیر موجب نابودی تدریجی آن شده است.

۱- مهاجرت و پراکندگی در اثر بیلاق - قشلاق و کوچ مداوم.

۲- وضع اسفبار معیشت و درآمد ناشی از رژیم حاکم بر ایران در ۲۲ سال گذشته که فقر را همه جاگیر کرده است.

۳- تغییر شکل تدریجی بافت فرهنگی ایل و رخنه مسائل مذهبی بعنوان عامل باز دارنده هنر و موسیقی.

۴- موقعیت بد موسیقی دانان حرفه‌ای و جایگاه آنان در ایل از نظر طبقاتی و پست شمردن حرفه آنان.

در ایل قشقائی سه گروه نوازنده وجود دارند که عبارتند از:

عاشق‌ها، چنگی‌ها و ساریان‌ها.

عاشق‌ها در گذشته، حضوری دائمی داشتند ولی امروزه بدلیل فقر و تنگدستی هنرشان را رها کرده و روز به روز از تعداد آنان کاسته میشود. عاشق‌های قشقائی از مناطقی مانند قفقاز، شیروان به فارس مهاجرت کرده اند، از این نظر، نکات مشترکی میان عاشق‌های قشقائی و عاشق‌های آذربایجان وجود دارد. در گذشته، ساز عاشق‌های قشقائی چکور بود اما از نیم سده گذشته، این ساز تقریباً حضوری در ایل قشقائی ندارد. عاشق‌ها، بعد از چکور به تار و پس از تار به کمانچه روی آورده اند.

اکثر عاشق‌های ایل قشقائی اینک در روستاهای دور دست و حلبی آباد‌های اطراف شیراز نظیر: شیخ علی چپون و کتس فس (Katas Fes) زندگی می‌کنند. از آهنگ‌های قدیمی عاشق‌ها، میتوان از «سحر آوازی» جنگ نامه و از آهنگهای امروزی میتوان به «کوراوغلی، محمود و صنم، محمود و نگار، باش خسرو، هلیله خسرو، بیستون، حیدری، گرایلی (باش گرایلی و با سمه گرایلی) اشاره داشت.

عاشق اسماعیل، تنها عاشق بازمانده در ایل قشقائی است که هنوز مینوازد و می‌خواند.

چنگی‌ها: موسیقی قومی قشقائی بیشتر در میان چنگی‌ها رایج است. چنگی‌ها نوازندگان کرنا، ساز و نقاره هستند. این هنرمندان معمولاً در عروسی‌ها مینوازند. شوربختانه مردم ایل به چنگی‌ها با دیده حقارت نگاه می‌کنند. آنها، عاشق‌ها و چنگی‌ها را بی ریشه و پائین تر از خود دانسته و از ازدواج با آنان خودداری می‌کنند.

آ,â A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

ز,z های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Voklan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

چنگی ها برای گذران زندگی مجبورند در کنار نوازندگی به کارهایی از قبیل اصلاح سر و صورت، ختنه کردن و کشیدن دندان نیز بپردازند. از معروفترین چنگی های ایل قشقائی میتوان به: گنجی و فرامرزا اشاره داشت.

ساریان ها: ساریان ها، نوازندگانی هستند که آهنگهای قومی ایل را با نی می نوازند. از آهنگهای معروف قشقائی که توسط این عده اجرا میشود «گدان دارغا» میباشد.

موسیقی قشقائی در مناطق زیر رایج است: کازرون، لار، ممسنی، سمیرم، دوگنبدان، گچساران، خنج و داراب.

قَشَم [Qasam]: از عاشیق های معروف آذربایجان شرقی و همدوره با عاشیق عبادیان، عاشیق عیسی دشن و از معلمین عاشیق ایمران حیدری.

قصاب، حسن [Hasan Qassad]: حسن خان لحنی، معروف به حسن قصاب خواننده مشهور قدیمی و همدوره با قمرالملوک وزیری، خانم ایران الدوله، روح انگیز و سید حسین طاهرزاده بود. حسن قصاب به گفته زنده یاد ابوالحسن صبا که در محفلی گفته بود: اگر حسن قصاب بمیرد، موسیقی ایران مرده است بسیاری از گوشه ها و ردیف ها موسیقی ایرانی را از حفظ داشت که خیلی ها آنرا نمیدانستند.

قصب [Qasab]: سازی است بادی از رده نای. این ساز در میان مشایخ صوفیه و عرفای اهل سماع نواختنش مباح بود.

قصر شیرین [Qasre Širin]: کافه واقع در جاده قدیم شمیران مقابل لشگر ۲ زرهی که در آن بانو مهوش برنامه اجرا میکرد. این کافه پس از فوت مهوش بسته شد. در این کافه صابرآتشین به همراه دختر ۳ ساله اش گوگوش برنامه اجرا میکرد. (سال ۱۳۳۱ خورشیدی).

قصری، عبدالله [Abdollah Qasri]: عبدالله قصری، در سال ۱۳۰۱ خورشیدی در میدان محمدیه تهران بدنیا آمد. از کودکی خواندن آواز را آغاز نمود. اولین معلم او مرشد نصراله بود که بابت هر جلسه تمرین ضرب، از او ۱/۵ ریال دریافت میکرد. عبدالله قصری، توسط محمد شیرخدائی نوازنده زبردست

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکنش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وحدان (Vojdan) V,v O,o Z,z زاله (Zale) C,c U,u جوب (Cub) Z,z

قره‌نی که هم محل او بود، به رادیو رفت. عبدالله قسری، نواختن جاز را از هنرمندی بنام ساهاک آموخت. او سالها با یونس دردشتی و ابراهیم سرخوش همکاری داشت. او در ارکستر رادیو در دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ همراه با قمرالملوک وزیری، روح انگیز، سعادت‌مند قمی، ملوک ضرابی به نواختن ضرب و جاز می پرداخت.

قسری، منصوره [Mansure Qasri]: نوازنده چیره دست ویلن و از فارغ التحصیلان دوره لیسانس هنرستان عالی موسیقی در ارکستر سنفونیک تهران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۶ خورشیدی.

قصیده [Qaside]: از انواع شعر پارسی که شامل ابیاتی یک وزن با قافیه و ردیف است.

قطار [Qatâr]: نام گوشه‌ای است در آواز بیات ترک. این گوشه در ایلات گُرد بسیار معمول است و آنرا با اشعار بابا طاهر و یا دو بیتی می خوانند. واژه قطار، مشتق از گاتارکردی (آهنگی مذهبی در گُردستان) به معنی خوانندگان گات (سرود مذهبی زرتشتیان) میدانند. در عشایر گُردهای گروسی این آواز بسیار رایج است.

قطار، در موسیقی مقامی آذربایجان نیز، جزو مقام های مستقل (به غیر از دستگاه های اصلی موسیقی آذربایجان) میباشد.

در ردیف موسیقی امروز، قطار، از زیر تنیک شور (هفتم گام شور) با حرکت و تداوم آهنگ به طرف شاهد بیات ترک آغاز میشود. شاهد گوشه قطار، درجه دوم شور (اولین ایست آن) میباشد.

قطار



قطار، دستگاه موسیقی [Dastgâh Musiqiye Qatâr]: گوشه‌ای ای مهم در ردیف موسیقی ایرانی و هم چنین آهنگی متداول در میان گُردان است. در ردیف اهل حق، قطار به دلیل نیم پرده هایش دستگاهی کاملاً متفاوت بدست میدهد که آنرا به دستگاه طرز نزدیک می کند. قطار اهل حق، بخاطر درخششی که کوک سل - دو به آن میدهد، از قطار، ردیف ایرانی جدا میشود.

آ,â A,a آدم (Âdam) S,s K,k Ş,ş سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zâle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vokdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

قطب الدین شیرازی [Qotb-eddin Širāzi]: موسیقیدان بزرگ قدیمی، همردیف با فارابی، ابن سینا، صفی الدین ارموی و عبدالقادر مراغه‌ای.

قطب عتیقی [Qotb Atiqi]: قطب الدین عتیقی تبریزی از شاعران سده هفتم و هشتم هجری است غزلهای این شاعر معروف است.

قطران [Qatrán]: شرف الزمان ابو منصور قطران عضدی تبریزی از شاعران سده پنجم هجری است. او از دهقانی به شاعری رسیده است. او از معاصران ناصر بن خسرو قبادیانی است. به غیر از دیوان شعر، کتابی از لغت، از او بجا مانده است. این شاعر در سال ۴۶۵ چشم از جهان فرو بست. او نخستین شاعری است که در آذربایجان به پارسی شعر گفت.

قطعه [Qatwe]: به یک آهنگ کامل موسیقی با کلام و یا بدون کلام گفته میشود. هم چنین قطعه از فرم های شعر فارسی، با ابیاتی در یک وزن و قافیه و ردیف بدون بیت آغاز هم قافیه میباشد. تعداد بیت های یک قطعه، بین هفت تا یازده است. نظیر قطعه های سعدی و پروین اعتصامی. قطعه به یازدهمین نوع از تصنیف های قدیمی نیز گفته میشود.

قفل [Qofl]: از الحان موسیقی در دوره ساسانیان است.

قفل رومی [Qofle Rumi]: نام لحن و نوائی در موسیقی قدیم ایران و از الحان سی گانه بارید که بیشتر در جشن مهرگان نواخته و خوانده میشده است.

قلاّب [Qollāb]: از نت های زینت در موسیقی است که شامل سه یا چهار نت کوچک میشود که قبل از نت اصلی قرار میگیرند.

قلعه یی، مهران [Mehran Qalei]: نوازنده چیره دست سنتور که در حال حاضر در تهران فعالیت

آ,ā A,a ادم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Irān) I,i وحدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

دارد.

قلم [Qalam]: در جنوب ایران (چاه بهار) به سازنی اطلاق میشود. قلم: سازی است روحانی که در ده روز اول محرم و در سیزده صفر زدن آن حرام است. نام هر گره قلم، بوق است بیشتر قلم های آن ناحیه، شش گره ای یا شش بوقی است. قلم سه اندازه دارد: بزرگ (زرگنسیکی)، متوسط (سرگر) و کوچک (دوکو).

قلم جفتی [Qalam Jofti]: از آلات بادی در جنوب ایران (هرمزگان) که دارای ۶ سوراخ است.

قلمی، حسین [Hoseyn Qalami]: حسین قلمی در سال ۱۳۲۸ خورشیدی در گلپایگان بدنیا آمد. او در سال چهارم دبیرستان، اولین کمانچه خود را ساخت و بعدها به ساختن تار روی آورد. حسین قلمی، توسط استاد قنبری در کارگاه ساز سازی وزارت فرهنگ و هنر بکار مشغول شد و زیر نظر استاد محمود قربان علی به فرا گرفتن اصول و فن ساز سازی پرداخت. حسین قلمی، سازنده مشهور تار در مرکز باستانشناسی وزارت فرهنگ و هنر کار می کند و بعد از کار در منزل خود تار ساخته و میفروشد.

قلندر [Qalandar]: لطفاً به راه قلندر نگاه کنید.

قلندر، نام تار معروف استاد علی اکبر خان فراهانی که دارای ۲۴ پرده بوده است، میباشد.

قلندری [Qalandari]: از اوزان قدیم در موسیقی ایران با ۲۹ ضرب، ۱۴ ضرب سنگین و ۱۵ ضرب سبک.

قلی پور، عیسی [Isa Qolipur]: عیسی قلی پور در سال ۱۳۲۱ خورشیدی در روستای سلاخی بجنورد بدنیا آمد. او از سرایندگان و نوازندگان معروف دوتار در شمال خراسان است.

قلیچ تقانی، آنه قربان [Ane-qorbân Qelic-taqâni]: آنه قربان قلیچ تقانی در سال ۱۳۲۴

خورشیدی در ترکمن صحرا بدنیا آمد. او در خواندن آوازهای چوپانی ترکمنی مهارت خاصی دارد. او

آ,â A,a آدم (Adam) S,s K,k Ş,ş سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vokdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

بالغ بر ۳۰ سال است که در زمینه فرهنگ و ادبیات ترکمن صحرا به تحقیق پرداخته است. او ساکن گرگان می باشد.

قلی خان [Qoli-xân]: نوازنده مشهور و زیر دست کمانچه در دوره ناصرالدین شاه.

قلی خان شاهی [Qoli-xân Šāhi]: تعزیه خوان معروف دوره قاجاریه که صدای نازکی داشت. آواز دشتی را بسیار زیبا می خواند. در تعزیه در نقش زینب بازی می کرد. او از خوانندگان بنام دوره مظفرالدین شاه بود که صفحاتی از او بجا مانده است.

قلی خان یاور [Qoli-xân Yāvar]: نوازنده مشهور قره نی که افسر موزیک بود و صفحاتی در تکنوازی همایون از او وجود دارد.

قلی نژاد، اسداله [Asad-ollāh Qolinežād]: اسداله قلی نژاد در سال ۱۳۱۳ خورشیدی در بجنورد دنیا آمد. او از نوازندگان مشهور دایره در شمال خراسان است که سالهاست با علی آبشوری نوازنده قشمه همکاری دارد.

قمر سالکی [Qamar Sālaki]: تصنیف خوان و رقاصه مشهور دوران ناصری که اشتها فراوانی داشت.

قمری [Qomri]: لطفاً به پرده قمری نگاه کنید.

قمری جرجانی [Qamari Jorjāni]: ابوالقاسم زیادبن قمری جرجانی از شاعران معاصر قابوس وشمگیر و مداح آن پادشاه بوده است. او در نیمه دوم سده چهارم هجری زندگی می کرده است.

قمی، سعادت مند [Swādatmand Qomi]: خواننده مشهور دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ خورشیدی که از

قدرت صدای بالائی برخوردار بود. از ویژگی های صدای این خواننده این بود که نظیر خانم روح انگیز،

آ,ā A,ā آد (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Vokān) وحدان V,v O,o (Cub) جوب C,c U,u Z,z زاله (Zāle)

ماه‌ور و چهارگاه را از اکتاو بالا می‌گرفت. در آن سالها، آوازه خوانان دستگاه چهارگاه را بخاطر گوشه حصارش کمتر می‌خواندند، اما سعادتمند قمی در اجرای آن توان بی‌نظیری داشت. او سالها با عباس شاپوری، علی تجویدی، حبیب اله صالحی، عباس زندی و خرسندی همکاری نزدیکی داشت. سعادتمند قمی در سال ۱۳۲۵ برای کمپانی عشقی چند صفحه خوانده است که عبارت است از: ماه‌ور با غزل سعدی، نوا و سه‌گاه که این صفحات وجود دارد.

قمیش [Qamış]: در موسیقی ایرانی به معنی زبانه آمده است و آن قطعه‌ی نی کوچک است که برای ایجاد صدای مخصوص (تن) سازهای زبانه دار بکار می‌رود.

قمیشی، سیاوش [Siyāvaš Qomeyši]: خواننده و آهنگساز صاحب نام پیش و بعد از انقلاب که در حال حاضر در لس آنجلس فعالیت دارد. سیاوش قمیشی در ایران با ساختن آهنگهای: رفتم من از یاد و زمستون با صدای زنده یاد افشین مقدم و عشق با صدای عارف کار خود را آغاز کرد. او سپس فرنگیس را که با صدای عماد رام پخش شده بود خواند. او در آن سالها، در گروه موسیقی ربلز با شرکت شهرام شب پره، کامبیز معینی و همایون جمالی برنامه اجرا می‌کرد.

قمیشی در ۱۵ سالگی جهت تحصیل در رشته موسیقی به انگلستان رفت، و در آهنگسازی مدرک خود را دریافت کرد. او در سال ۱۹۷۱ میلادی به ایران بازگشت.

وقتی قمیشی برای شرکت آونگ، موسیقی می‌ساخت، خودش آنها را می‌خواند و صدایش مورد توجه وارطان آوانسیان قرار گرفت و این آغاز کار خوانندگی او بود.

موزیک متن فیلم: بوی گندم ساخته فرزاد دلجو و امیر مجاهد و با شرکت دلجو، آیلین ویگن، ابراهیم حامدی (ابی) و شهرام شب پره از ساخته‌های این هنرمند با همکاری اریک است.

از آلبوم‌های سیاوش قمیشی که در آمریکا تهیه شده می‌توان به: خواب بارون، حکایت، تاک، قصه گل و تگرگ، هوای خونه، قصه امیر و نقاب شیشه‌ای اشاره داشت.

قنبری یا قونبری [Qanbari yā Qunbari]: سازی است رشته‌ای که در آذربایجان و ارمنستان، که ترانه‌های خوانندگان حرفه‌ای را همراهی می‌کند، قنبری دارای دو رشته سیم است و با انگشت سبابه دست راست، مانند سه تار نواخته می‌شود.

آ, a آدم (Adam) S, s K, k S, s سرکش (Sarkes) J, j W, w جمع (Jamw) Q, q غرق (Qarq) X, x Y, y خیام (Xayyam)
وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I, i و حدان (Vojdan) O, o V, v چوب (Cub) U, u C, c زانه (Zale) Z, z



قنبری مهر، ابراهیم [Ebrāhim Qanbari Mehr]: سازنده زبردست ویلن که از شاگردان مکتب ابوالحسن صبا است. قنبری بعدها به ساختن تار، سنتور، کمانچه ضرب و هارپ پرداخت. ویلن‌های دست ساز او با بهترین ویلن‌های دست ساز اساتید خارجی برابری می‌کند.

استاد ابراهیم قنبری مهر در سال ۱۳۰۷ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. در کودکی به نجاری و مبیل‌سازی روی آورد. روزی به حضور استاد ابوالحسن صبا در خیابان ظهیرالاسلام می‌رود و از استاد می‌خواهد تا به او موسیقی یاد بدهد. او موسیقی و نواختن ویلن را از صبا فرا می‌گیرد، و سپس به توصیه استاد، اولین ویلن را می‌سازد. استاد صبا به قنبری می‌گوید، فکر می‌کنم امشب با این سازی که تو ساختی بتوانم خوب بزنم. استاد صبا قنبری را به آراکلیان معرفی می‌کند و بعد از چندی، کارگاهی از طرف وزارت فرهنگ و هنر تأسیس می‌شود و استاد قنبری در آنجا از سال ۱۳۳۵ رسماً کار خود را آغاز می‌کند. در سال ۱۳۳۷ قنبری به فرانسه اعزام می‌شود و در دوره تعمیرات که بطور معمول دو سال طول میکشد شرکت و این دوره را ۶ ماهه بپایان می‌رساند. استاد قنبری علاوه بر ویلن، ویلن سل، کنترباس، ویلن آلتو، تنبور، قانون، سنتور کروماتیک و هارپ هم می‌سازد. او کارگاه ساز سازی مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی ایران را پایه‌گذاری کرد.

استاد قنبری ۷۳ سال عمر گرانبهای خود را در خدمت موسیقی و فرهنگ ایران گذرانیده است. استاد ابراهیم قنبری از معدود هنرمندان در سطح جهان است که نظریه‌های او در مورد سازها و اصلاح آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رفع عیب از هارپ، تغییراتی که روی ویلن انجام داده اند که صدای ویلن بهتر و شکل آن زیباتر شود، مورد تأیید استاد‌های فن در جهان می‌باشد. ابتکارات استاد قنبری در تار یک پارچه، ثابت کردن خرک و تغییر شکل سر و پنجه در خرک و استفاده از پرده‌های فلزی در سه تار و تار و یک تکه کردن سر پنجه و دسته سازهای زهی نمونه‌هایی از هنر این استاد بی‌نظیر است. استاد قنبری از نوابغ جهان است که دور از هیاهو بکارش ادامه می‌دهد.

Ā,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

Z,z زاله (Zale) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Voklan) I,i ایران (Iran) وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن

قنبری، حمید [Hamid Qanbari]: حمید قنبری، خواننده، کارگردان، بازیگر تئاتر و سینما و رادیو در سال ۱۳۰۳ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. در نوجوانی با تعقیب همکلاس خود در کلاس دوم دبیرستان، نصرت‌اله کریمی، که بعد از ظهرها، پیش از خاتمه درس به بهانه کار در مغازه پدرش، مدرسه را ترک میکرد، متوجه شد که او به کلاس هنرپیشگی میرود. او و همکلاس دیگرش زنده یاد محمدعلی جعفری در هنرستان هنرپیشگی ثبت نام کردند.

در آن زمان، تئاتر تهران واقع در لاله زار، تاتر پُر رونقی بود و از هنرجویان هنرستان بعنوان سیاهی لشگر استفاده میکردند. او آموزش های لازم را از سید علی نصر (پدر تاتر ایران) رفیع حالتی، عبدالحسین نوشین، علی اصغر گرمسیری، غلام علی فکری، نصرت اله محتشم، فریدون فرزانه، دکتر رضا زاده شفق، دکتر مهدی نامدار، حسن علی نصر و مادام سپاهی آموخت.

حمید قنبری در سال ۱۳۲۱ خورشیدی، کار خوانندگی را در رادیو آغاز نمود. او در سال ۱۳۴۱ به سمت معاون سرپرست نمایشات رادیو برگزیده شد، و در سال ۱۳۴۶، سندیکای هنرمندان فیلم ایران را پایه گذاری کرد.

حمید قنبری، با بیمه کردن هنرمندان و کادر فنی سینمای ایران، موفق به عملی کردن یکی از آرزوهای بزرگ خود شد. حمید قنبری در بیش از ۱۲۰ نمایشنامه شرکت کرد.

او کار سینما را با فیلم دستکش سفید ساخته زنده یاد پرویز خطیبی آغاز نمود و علاوه بر آن فیلم، در بیش از ۱۴ فیلم دیگر شرکت جست.

از سال ۱۳۳۶ با آغاز برنامه صبح جمعه، به تنهایی با ۸ تیپ مختلف حرف میزد از آن جمله: میرزا جعفرخان، آقا فوفول و آقا کوچول.

از حمید قنبری، ترانه ماندگار: دل بتو دادم که یار من باشی. از سروده های زنده یاد خطیبی و ترانه های دو صدائی او با ناهید سرفراز موجود است. حمید قنبری از پیش پرده خوانان معروف ایران است که در کار دوبله فیلم نیز بسیار فعالیت داشته است و دوبله فیلم های جری لوئیس او را به اوج اشتها رسانید. حمید قنبری در فیلم های فارسی بجای منصور سپهرنیا صحبت میکرد.

قنبری، شهیار [Šahyār Qanbari]: شهیار قنبری، شاعر و ترانه سرای مشهور در سال ۱۳۲۹ خورشیدی در خیابان فخرآباد، سه راه ژاله تهران به دنیا آمد. دوره ابتدائی را در دبستان جهان تربیت و

آ,ä A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الهای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وجدان (Vojdan) V,v O,o Cub) جوب C,c U,u Z,z ژاله (Zale)

دبیرستان را در کالج البرز گذراند.

او سپس برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت. در نوجوانی، در اطلاعات کودکان، داستان می نوشت و گاه گاهی از او اشعاری چاپ میشد. پس از مراجعت از انگلستان، ترانه سرائی را آغاز کرد. اولین ترانه ای که ساخت: ستاره آی ستاره بود و اولین ترانه او که از رادیو پخش شد «دیگه اشکم واسه من ناز میکنه» با صدای زیبای خانم گوگوش بود. شهیار قنبری با ترانه هائی چون: بوی خوب گندم، قصه دو ماهی، جمعه ها و حرف به اوج شهرت رسید و عضو شورای شعر و ترانه رادیو شد.

شهیار قنبری در اولین فیلم سینمایی خود بنام: چهره آشنا ساخته زنده یاد حسن خردمند شرکت جست و دومین فیلم او: خانه خراب ساخته نصرت اله کریمی بود که در سال ۱۳۵۴ به نمایش درآمد. شهیار قنبری در مقام کارگردانی، در سال ۱۳۵۵ فیلم شام آخر را ساخت.

شهیار قنبری، فرزند هنرمند گرانقدر حمید قنبری است که در زمینه کار خوانندگی نیز، از او آلبوم: قدغن در دسترس میباشد.

درخت بی زمین و دریا در من دو کتاب از اشعار این هنرمند است که اول در برگیرنده ترانه های او از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ میلادی و دومی گزینه ترانه های او از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۹۵ میلادی میباشد.

قنسولی، بهروز [Behruz Qonsuli]: بهروز قنسولی، نوازنده چیره دست سنتور و قانون، و سازنده ساز سنتور در سال ۱۳۳۵ خورشیدی در زاهدان بدنیا آمد. او در سال ۱۳۶۵ به تهران آمد و اینک در این شهر به ساختن سنتور اشتغال دارد.

قوال [Qavval]: سازی است بادی که در میان گُردها و ترکها رایج است.

این ساز در بین ارمنی ها نیز رایج است، قوال ارمنی ها، ۳۱ سانتی متر درازا داشته و دارای هفت سوراخ است. جنس آن از چوب بوده و از راس نای در آن دمیده میشود. قوال در فارسی به معنی قول سرا، آواز خوان و خنیاگر میباشد.

قوال به نوعی از طبل و دُهل هم اطلاق میشود.

قوال اولین سازی است که بشر اختراع کرده است، اختراع آنرا به فیثاغورت یونانی نسبت میدهند.



آ,â A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

قوام [Qavām]: نوازنده چیره دست تار و از همکاران نزدیک خانم پروانه در سالهای پیش و بعد از ۱۳۰۷ خورشیدی.

قوام الدوله یی، یحیی [Yahya Qavam-oddoleyi]: یحیی خان قوام الدوله یی از اعضای ارکستر انجمن اخوت بود. از دیگر اعضای این ارکستر میتوان به حاج غلامرضا نیستی، ارفع الملک، یوسف خان صفائی، فخام الدوله، اسماعیل قهرمانی، شکری، غلام حسین درویش و علی نقی وزیری اشاره داشت.

قوام سلطان [Qavām Soltān]: نوازنده زیردست سه تار در سالهای پیش و بعد از ۱۳۱۷ خورشیدی در تهران.

قوام صدری، منصوره [Mansure Qavām-sadri]: از فارغ التحصیلان دوره لیسانس هنرستان عالی موسیقی تهران در رشته پیانو.

قوامی، حسین (فاخته) [Hoseyn Qavāmi]: زنده یاد استاد حسین قوامی (فاخته ای) در سال ۱۲۸۸ خورشیدی در تهران خیابان اکباتان بدنیا آمد، پدرش رضاقلی قوامی به موسیقی ایرانی علاقه بسیار داشت. برادر حسین قوامی، علی، نوازنده چیره دست تار بود و او با برادرش، در سن ۱۶ سالگی در مجالس هنری شرکت میکرد.

اولین استاد حسین قوامی؛ عبدالله حجازی بود که بمدت هفت سال قوامی را آموزش داد. عبدالله حجازی خواننده مشهور سالهای پیش و بعد از ۱۳۰۴ خورشیدی بود. قوامی، در سال ۱۳۲۵ خورشیدی بنا به دعوت آقای مستعان، رئیس وقت رادیو برای اجرای برنامه به رادیو رفت و اولین برنامه خود را در روز جمعه با برادران وفادار (حمید و مجید) اجرا نمود. همکاری او با رادیو تا سال ۱۳۲۹ ادامه داشت. در این تاریخ، او بخدمت ارتش درآمد و با سمت افسری به شهرستان رفت و بمدت هشت سال همکاری او با رادیو قطع گردید. در سال ۱۳۳۷ بنا به دعوت زنده یاد داود پیرنیا به برنامه گلها پیوست. در

آ,ā A,a ادم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وچدان (Voklan) V,v O,o C,c U,u جوب (Cub) Z,z زاله (Zale)

آن زمان بنا به شرایطی نمی‌توانست نام اصلی خود را بیان کند، لذا با پیشنهاد استاد روح‌اله خالقی، نام فاخته‌ای را برای خودش انتخاب کرد.

قوامی را باید پُرکارترین خواننده برنامه گلها بحساب آورد. او ۲۲۰ برنامه گلها را اجرا نمود. حسین قوامی در سال ۱۳۴۱ با درجه سرهنگ دومی بازنشسته شد. آن زمان ۵۳ سال داشت. استاد حسین قوامی در روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ماه ۱۳۶۸ در ساعت ۸/۵ شب چشم از جهان فرو بست. قبر او در امامزاده طاهر کرج و در کنار غلامحسین بنان و مرتضی حنانه است. آخرین ترانه‌ای که قوامی اجرا نمود «سرگشته» بود که آهنگ آنرا همایون خرم ساخت و شعر آنرا هوشنگ ابتهاج سروده بود.

از ترانه‌های جاویدان حسین قوامی به چندی از آن اشاره میشود: جوانی با شعر نواب صفا، تو را من چشم در راهم با شعر، نیما. و رفتی و باز آمدی با شعر نواب صفا.

قوامی رازی [Qavāmi Rāzi]: امیر بدرالدین قوامی خباز رازی از شاعران نیمه اول سده ششم هجری است. او در اوائل کار به حرفه نان پزی اشتغال داشته و خودش در اشعارش بارها به نانبا و نان‌پز اشاره کرده است.

تاریخ وفات او دقیقاً مشخص نیست، بنظر می‌آید در حدود ۵۶۰ هجری در گذشته باشد. دیوان این شاعر در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری میشود و شامل ۳۳۵۹ بیت است.

قوامی، علی [Ali Qavāmi]: نوازنده چیره دست تار و برادر استاد حسین قوامی (فاخته‌ای) میباشد.

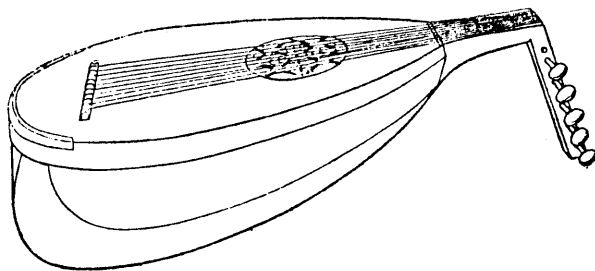
قوانین تارهای مرتعش [Qavānine Tārhaýe Mortawaš]:

- ۱- قانون اثر طول: فرکانس صوت اصلی تار مرتعش با طول تار نسبت عکس دارد.
- ۲- قانون اثر نیروی کشش: فرکانس صوت اصلی تار مرتعش با جذر نیروی کشش تار متناسب است.
- ۳- قانون اثر جرم: فرکانس صوت اصلی تار مرتعش با جذر جرم واحد طول تار، نسبت عکس دارد.
- ۴- قانون هم آهنگ‌ها: با یک تار مرتعش میتوان، هم آهنگهای فرد و زوج صوت اصلی را تولید کرد.

قوپوز [Qopuz]: از آلات زهی با ۵ وتر یا زه دوتائی با کاسه صوتی بسیار بزرگ. قوپوز در موسیقی

آ,ā A,a آد (Ādam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u Z,z زاله (Zāle)

ترکمن صحرا به زنبورک اطلاق میشود. در سازشناسی موسیقی عاشیق‌لار از نوعی قوپوز شبیه تار، مرکب از ۹ سیم یاد شده است.



قوتانغو [Qutânqu]: از کوک‌های مشهور قدیمی، خاصه ترکها. از جمله ۹ کوک برگزیده اصلی از میان ۳۶۰ کوک در آثار عبدالقادر مراغه‌ای.

قوچانی [Qucâni]: از الحان منطقه قوچان خراسان.

قوچمه [Qoucme]: نوعی دونای متداول و معمول در خراسان. سازی است بادی، از رده نای مضاعف فلزی زبانه دار. قوچمه یک ساز بزمی محلی خراسانی است.



قوس [Qus]: یکی از دوازده مقام در موسیقی قدیم ایران که بنای آن دوازده ماه سال است

قوشما [Quşmâ]: رایج‌ترین گونه ادبیات عاشیقی که بین سه تا هفت بند و هر بند، چهار مصراع و هر مصراع یازده هجا، دارد. قوشما، زیباترین شعر شفاهی عاشیقی است.

قول [Qoul]: از تصنیف‌ها و الحان موزون در موسیقی قدیم ایران.

قولادو [Quládo]: از کوک های اصلی نه گانه در موسیقی آذری، برگزیده از ۳۶۰ کوک در آثار عبدالقادر مراغه‌ای.

قول کاسه گر [Qoule Kâse-gar]: نوائی در موسیقی قدیم ایران است.

قول و غزل [Qowl-o-Qazal]: سرود و تصنیف های رایج در عهد صفویه.

قوم [Qum]: دسته نوعی نای.

قومچه [Qumce]: نای یا نی کوچک را گویند.

قوی [Qavi]: از اصطلاحات موسیقی قدیم ایران. مشتمل بر سه فاصله چهارم که در هر کدام دو فاصله طنینی موجود بوده است.

۱- ط ط ب ا د ز ح دو، ر، می، فا

۲- ط ط ب ط ا د ه ح دو، ر، می بمل، فا

۳- ب ط ط ا ب ه ح دو، ربمل، می بمل، فا

در هر کدام از فواصل سه گانه، دو فاصله طنینی موجود است و هریک معادل فاصله دوم بزرگ می باشد.

قوی حلم، محمد [Mohammad Qavi-helm]: نوازنده چیره دست دهل، دف و نقاره، و از همکاران نزدیک استاد حسین علیزاد.

قهرمان [Qahremân]: از شاعران معاصر که همراه با رهی معیری، ابوالقاسم حالت و نواب صفا با رادیو ایران در سالهای ۱۳۲۱ به بعد همکاری داشت.

قهرمانان، اکبر [Akbar Qahremânân]: نوازنده چیره دست تنبک و همدوره با نصرت جانان، حسن زمانی، عباس تنها و اصغر فرهمند.

A,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,i W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdân) I,i ایران (Írán) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

قهرمانی، اسماعیل [Esmāwil Qahremāni]: موسیقیدان و نوازنده بنام تار که در سال ۱۲۵۸ خورشیدی بدنیا آمد.

او تار را نزد سید حسین خلیفه آموخت و بمدت ۱۲ سال از آقا میرزا عبدالله ردیف های موسیقی را فرا گرفت. از شاگردان معروف او میتوان به استاد نورعلی خان برومند اشاره داشت. استاد اسماعیل قهرمانی با کمک نورعلی خان برومند، ردیف های موسیقی ایرانی را بر روی نوار ضبط کردند که یکی از آثار گرانبهای موسیقی اصیل ایرانی است.

قهرمانی، شکراله [Šokr-ollāh Qahremāni]: شکراله خان قهرمانی معروف به شکری، از شاگردان مدرسه موزیک نظام بود که ابوا می نواخت. او ابتداء نزد برادر خود، اسماعیل قهرمانی، موسیقی را آموخت و پس از چندی نزد زنده یاد درویش خان رفت و تار را از او آموخت. شکراله قهرمانی همکاری نزدیکی با شاعر ملی ایران، عارف قزوینی داشت. این هنرمند گرانقدر در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۷ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

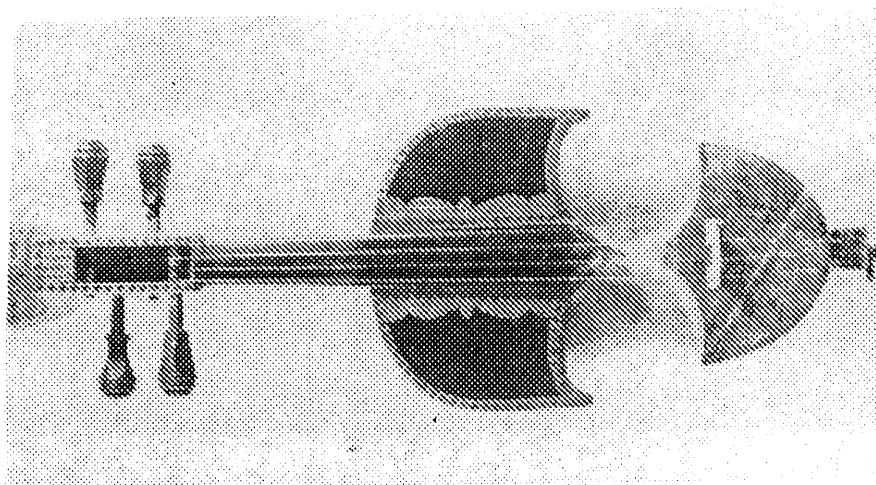
قهرمانی، عباس [Abbās Qahremāni]: عباس قهرمانی در سال ۱۳۲۸ خورشیدی در ملایر بدنیا آمد. او در سال ۱۳۶۰ به تهران آمد. در ابتداء به استودیو پخش فیلم دکتر شاهرخ رفیع رفت و سپس به مهتاب فیلم رفته و در قسمت صدا و دوبلاژ با هنرمندانی چون زنده یاد روییک منصوری، حسن مصیبی، واروژ و مهندس مغازه ای همکاری نمود. از فیلم هایی که توسط عباس قهرمانی صدا گذاری شده میتوان به: سه تانخاله، لاله و مراد، ترن، عذاب مرگ اشاره نمود. عباس قهرمانی در سال ۱۳۴۵ به رادیو تلویزیون ملی ایران رفت و در صدا گذاری سریالهایی چون: دای جان ناپلئون، آتش بدون دود، دلیران تنگستان، سربداران شرکت نمود.

صدا گذاری فیلم هایی چون: گاو، آقای هالو، آرامش در حضور دیگران هم از کارهای این هنرمند است.

قهرمانی، هومن [Human Qahremāni]: نوازنده چیره دست کمانچه و از فارغ التحصیلان هنرستان عالی موسیقی تهران.

قیتار یا قیتاره [Qitar ya Qitare]: سازی است رشته ای مقید از خانواده رباب.

قیچک [Qeycak]: این ساز با نام های زیر خوانده میشود. غیچک، غجک، غچک، غژک و غیژک. قیچک از سازهای کهن میباشد. واژه ترکی قیچک به معنی آواز باگریه و فریاد گلو میباشد. نوعی از این ساز بنام دل ربا و سارنگ یا سارنگی در موسیقی هند مشهور است. سابقه قیچک در موسیقی چین نیز مورد توجه است. این ساز در نقش های طاق بستان کرمانشاه مربوط به دوره ساسانی دیده میشود. قیچک، شکمی به شکل نیم کره، متشکل از دو قسمت زیرین دارد که بر سطح مقطع جلو، پوست کشیده اند و قسمت بالای کاسه نیز به شکل نیم کره بزرگتری از قسمت پائین به کاسه زیرین استوار است. در قسمت جلوی کاسه که چهار تا شش سیم از روی آن میگذرد، دو حفره به شکل دوریه انسان ملاحظه میشود. دسته ساز کوتاه و در انتها به گوشی های چهارگانه متصل میشود. این ساز را در سه نوع: سوپرانو، آلتو و باس میسازند. قیچک، سازی است آرشه ای که آرشه آن شبیه آرشه ویلن است. قیچک از سازهای محلی ایرانی است که در جنوب شرقی و بلوچستان بسیار معمول است. کوک محلی این ساز، هیچگاه یکسان و ثابت نیست. جنس این ساز از چوب توت است. قیچک به سه اندازه؛ سوپرانو (بطول ۵۶/۵ سانتی متر)، آلتو (۶۳ سانتی متر) و باس (به همان نسبت بزرگتر) میباشد. طول سیم مرتعش در قیچک سوپرانو ۳۳/۵، در آلتو ۳۷/۵ و در باس ۷۰ سانتی متر است. وسعت صدای قیچک، سه اکتاو است.



قیده [Qaydah]: سازی است بادی انبانی که دارای سه استوانه است. درازای آن ۸۰ سانتی متر است.

قیصران [Qeysarān]: از الحان موسیقی قدیم ایران است.

قیصر، عالیہ [Āliye Qeysar]: هنرآموز موسیقی در آموزشگاههای موسیقی تهران.

قیصری، حمید [Hamid Qeysari]: حمید قیصری در سال ۱۳۴۶ خورشیدی در تهران بدنیا آمد و از ۹ سالگی به آموختن موسیقی پرداخت. در ۱۵ سالگی با اصول ساخت و تعمیر سازهای بادی و درکنار آن ساز سنتور و دیگر سازهای سنتی آشنا شد. او نی نوازی ماهر و زبردست است که این ساز را از استاد مسلم نی، حسن کسائی آموخته است.

قیطاقی مجتبی [Mojtabā Qeytaqi]: مجتبی قیطاقی در سال ۱۳۴۹ خورشیدی، در روستای قیطاق قوچان بدنیا آمد. تسلط این هنرمند بیشتر در اجرای شیوه دو تار نواز بزرگ کرد، زنده یاد رحیم خان بخشی است.